



A Comparative Study of the Way of Confrontation with Israelite in Two Commentaries "Al-Kashif" and "Al-Kashf and Al-Bayan"

Ali Asghar Shoaei^{1*}, Ali Shahrezai², Ali Ghazanfari³

Abstract

One of the topics of Qur'anic and Hadith sciences is the discussion of Israelitism, which has been included in some Islamic texts, including the interpretations of the Qur'an. The commentators have had different encounters with Israelitism. Mughniyeh's "Al-Kashf and Al-Bayan" has been examined. Some of the results of the research are: Thaalbi has referred to Israelis in various topics and sometimes cited Israelis without mentioning documents or with weak documents. In the introduction of his commentary, he introduces storytelling as the best method for educating and influencing hearts, and perhaps for this reason, he has quoted the stories of Israel without making a critical comment about their content. Although, in rare cases, he chooses the authentic word by quoting the hadiths of Ahl al-Bayt (a.s.). However, with the aim of providing a youth-friendly and rational interpretation, Mughniyeh promises to avoid Israelitism in the introduction of his interpretation, and fulfills this promise in the text of the book, despite this, he has given narrations that either It is difficult to compare the sources of Bani Isra'il and Qawamis with the facts of Islam, but Mughniyeh, with its own foundations, apparently ignores them.

Keywords: Israeliat, Thaalbi, Mughniyah, Al-Kashif, Al-Kashf and Al-Bayan

How to Cite: Shoaei AA, Shahrezai A, Ghazanfari A., A Comparative Study of the Way of Confrontation with Israelite in Two Commentaries "Al-Kashif" and "Al-Kashf and Al-Bayan", Journal of Quranic Studies Quarterly, 2023;14(55):349-368.

1. Ph.D. in Qur'anic Sciences, member of the faculty of the University of Sciences and the Holy Qur'an, Qom, Iran
2. Ph.D. in Qur'anic and Hadith Sciences, Qom University, Qom, Iran
3. Assistant Professor, Faculty of Holy Quran Sciences and Techniques, Qom, Iran

Correspondence Author: Ali Asghar Shoaei

Email: shoaei@quran.ac.ir

Receive Date: 23.01.2023

Accept Date: 25.09.2023



بررسی تطبیقی شیوه تقابل با اسرائیلیات در دو تفسیر «الکاشف» و «الکشف و البیان»

علی اصغر شعاعی^{۱*}، علی تصدیقی شاهرزائی^۲، علی غضنفری^۳

چکیده

یکی از مباحث علوم قرآن و حدیث، بحث اسرائیلیات است که وارد برخی از متون اسلامی از جمله تفاسیر قرآن شده است مفسران برخورد‌های متفاوتی با اسرائیلیات داشته‌اند در تحقیق پیش رو با روش توصیفی تحلیلی شیوه‌ی تقابل با اسرائیلیات در دو تفسیر «الکاشف» ثعلبی و «الکشف و البیان» مغنیه مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از نتایج تحقیق عبارتند از: ثعلبی در مباحث مختلف، به اسرائیلیات استناد کرده است و گاهی اسرائیلیات را بدون ذکر سند یا با اسناد ضعیف آورده است. ایشان در مقدمه تفسیر خود، قصه‌گوئی را روش برتر برای تربیت و نفوذ در دلها معرفی می‌کند، و شاید به همین سبب اسرائیلیات را بدون اظهار نظر نقادانه پیرامون محتوای آنها، نقل کرده است؛ اگرچه در موارد نادر، در مقابل اسرائیلیات، با نقل احادیث اهل‌البیت (ع)، قول اصح را انتخاب می‌نماید. اما مغنیه با هدف ارائه تفسیر جوان‌پسند و منطبق با عقل همان‌طور که در مقدمه‌ی تفسیر خود وعده اجتناب از اسرائیلیات می‌دهد، در متن کتاب نیز به این وعده عمل می‌کند، علیرغم این امر، او روایاتی آورده که یا از منابع بنی‌اسرائیل و قوامیس ذکر شده و یا تطبیق مفهوم آنها با حقایق دین اسلام دشوار می‌نماید ولی مغنیه، با مبانی خاص خود، به ظاهر از کنار آنها با سکوت می‌گذرد.

۱. دکترای تخصصی علوم قرآن، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معرف قرآن کریم، قم، ایران

۲. دکتری علوم قرآن و حدیث تربیت مدرس دانشگاه قم، قم، ایران

۳. استادیار، دانشکده علوم و فنون قرآن کریم، قم، ایران

واژگان کلیدی: اسرائیلیات، ثعلبی، مغنیه، الکاشف، الکشف و البیان

مقدمه و بیان مسئله

یکی از مفاهیمی که در علوم حدیث و تفسیر مطرح می‌گردد «اسرائیلیات» است و وجود اسرائیلیات تاثیر منفی بر حدیث و تفسیر گذاشته است و دانشمندان علوم اسلامی سعی بر شناخت آن‌ها و کنار گذاشتن آن‌ها از متون اسلامی دارند، دو نفر از این دانشمندان ثعلبی نویسنده الکشف و البیان و مغنیه نویسنده الکاشف است.

نام ثعلبی ابو اسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم نیشابوری و نام تفسیر او «الکشف و البیان و کتاب العرائس فی قصص الانبیاء» است. ابن خلکان از سمعانی نقل کرده که به وی ثعلبی یا ثعالبی نیز می‌گفتند. (ابوشهبه، ۱۴۱۳ق، ص ۱۲۵) وی قاری قرآن، مفسر قرآن، ادیب و حافظ قرآن نیز بوده است. در خصوص تاریخ وفات وی دو نقل ۴۲۷ و ۴۳۷ قمری نقل شده است. (همان)

محمد جواد مغنیه، نیز از متفکران، فقها و مفسران قرن چهاردهم هجری است که در سال ۱۹۰۴م در روستای طیردبا از توابع جبل عامل لبنان چشم به جهان گشود و در سال ۱۹۷۹م دیده از جهان فروبست. وی آثار متعددی در موضوعات مختلف اسلامی از قبیل: فقه، فلسفه، کلام، عقاید و تفسیر قرآن تألیف کرده است. دو کتاب تفسیری وی یکی به نام «التفسیر الکاشف» در هفت جلد و دومی تفسیری مختصر از قرآن به نام «التفسیر المبین» در یک جلد می‌باشد. (پژوهشکده تبلیغ، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۴۵۱)

هم ثعلبی و هم مغنیه در مقدمه تفسیر خویش، تاکید بر این مطلب دارند که اقوال ضعیف دوری کنند. مغنیه در مقدمه صراحتاً اسرائیلیات را مردود می‌داند و قویترین دلیل بر بطلان را انتساب این اقوال به بنی اسرائیل می‌داند. (مغنیه، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۱۴) البته باید توجه داشت که صرفاً انتساب یک روایت به بنی اسرائیل دال بر ضعف و مردود بودن آن روایت نیست. ثعلبی نیز در مقام اهمیت به نقل اقوال صحیح در مقدمه تفسیر، خدای متعال را به پاس نعمت علمی که به واسطه آن در تفسیر حق را از باطل و شناخته و صحیح را از ناصحیح تشخیص داده و سنت را از بدعت جدا کرده، شکر می‌کند. (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۷۴) که البته ابوشهبه پس از نقل روایات ضعیف موجود در تفسیر ثعلبی به کنایه می‌نویسد: خدا میداند اگر این همه روزی و نعمتهائی که در مقدمه تفسیرش بیان کرده، به اون عطا نمی‌شد، تفسیرش چگونه بود. (ابوشهبه، ۱۴۱۳ق، ص ۱۲۶)

این مقاله درصدد بررسی شیوه تقابل این دو مفسر با اسرائیلیات است و این که مشخص کند این دو مفسر چقدر در برخورد با اسرائیلیات موفق بوده اند.

پیشینه پژوهش

در خصوص بررسی روش تفسیری ثعلبی و مغنیه مقالاتی همچون: ۱- بررسی روش تفسیری و رویکردهای مغنیه در تفسیر الکاشف (سلیمی زارع)، ۲- ثعلبی و تفسیر او الکشف و البیان عن تفسیر القرآن (عباسی) و پایان نامه‌هایی مانند: ۱- روش شناسی تفسیر الکاشف استاد راهنما: حسین علوی مهر، استاد مشاور: مهدی رستم نژاد، دانشجو: محمد محمدی نسب، کارشناسی ارشد دانشگاه معارف اسلامی قم، ۱۳۹۱، و ۲- پژوهشی در روش تفسیری الکشف و البیان، نویسنده: همتیان، مهری، استاد راهنما: محسن قاسم پور، کارشناسی ارشد؛ دانشگاه کاشان نوشته شده است. اما در خصوص بررسی نگرش این دو مفسر درباره اسرائیلیات و مقایسه این دو تفسیر با هم، نوشته‌ای یافت نشد و این مقاله از این جهت دارای نوآوری می‌باشد.

مفهوم شناسی اسرائیلیات

اسرائیلیات، جمع اسرائیلیه و منسوب به اسرائیل، لقب حضرت یعقوب (ع) جد اعلای یهودیان است. (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۴) اسرائیل، مرکب از دو واژه «اسر» به معنای غلبه و «ایل» به معنای قدرت کامل است. در زبان عبری به کسی که بر قدرت کامل یعنی خداوند چیره شده گفته می‌شود و علت نامگذاری این است که به گمان یهود، حضرت یعقوب (ع) در مبارزه با خداوند بر او پیروز شد. (کتاب مقدس، پیدایش، ۳۲: ۲۵-۲۹) البته برخی هم جزء نخست این واژه را به معنای «عبد» و بخش دوم را به معنای «الله» دانسته‌اند، و اسرائیل را به معنای عبدالله (بنده خدا) دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۰۶) درباره اسرائیلیات به طور کلی باید گفت که اسرائیلیات گاهی به آن دسته از روایاتی اطلاق می‌گردد که صبغه یهودی دارد (ذهبی، ۱۹۸۵، الف، ص ۱۹) و از طریق فرهنگ یهودی وارد حوزه اسلامی می‌شود (ذهبی، بی‌تا، ب، ج ۱، ص ۱۶۵؛ نعنانه، بی‌تا، ص ۷۲-۷۳) اسرائیلیات به دلیل، مروده و عداوت زیاد یهودیان با مسلمانان وارد فرهنگ اسلامی شد. (ذهبی، بی‌تا، ب، ج ۱، ص ۱۶۵-۱۶۶؛ معرفت، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۸۰-۸۱) امام صادق (ع) نیز این گونه روایات را «احادیث یهود و نصارا» معرفی می‌کند. (صدوق، ۱۳۷۷، ص ۳۵۳) و گاهی اسرائیلیات در معنایی گسترده یعنی هر آنچه را که صبغه یهودی و مسیحی دارد و در منابع اسلامی داخل شده؛ استعمال می‌شود (ذهبی، بی‌تا، ب، ج ۱، ص ۱۶۵، ۱۶۹) و گاهی در مفهومی گسترده‌تر یعنی هر نوع روایت و حکایتی که از منابع غیراسلامی وارد قلمرو فرهنگ اسلامی می‌گردد به کار رفته است؛ استفاده می‌شود. (ذهبی، اسرائیلیات را داستان‌ها و حکایاتی که منبع بنی اسرائیلی و یهودی داشته باشند؛ می‌داند. البته او معتقد است که اسرائیلیات از منظر علمای حدیث و تفسیر، شامل هر داستان و افسانه قدیمی که در اصل در کتب یهودی یا نصرانی یا ساخته دشمنان اسلام باشد (از باب تغلیب)، مانند افسانه غرانیق

و داستان زینب بنت جحش، است. (ذهبی، ۱۹۸۵، الف، ص ۱۴-۱۵) یک اختلاف کوچکی هم بین شیعیان و اهل سنت درباره اسرائیلیات وجود دارد؛ شیعیان، خلفای بنی امیه را موثر در گسترش اسرائیلیات، و روایات مخالف با دیدگاه و سیره اهل بیت را جعلی و در مواردی جزو اسرائیلیات می-شمارند (منتظری، ۱۴۲۹ق، ص ۱۰۶) در حالیکه اهل سنت، دامن خلفا را از گسترش اسرائیلیات بری می‌دانند.

برخی از معیارهای شناخت اسرائیلیات عبارتند از: مفاهیمی که جلوه بدی از اسلام ارائه می-دهند. (طیبی، بی تا، ص ۵۸۲) مفاهیمی که توسط افراد خاص مثل کعب الاحبار، عبد الله بن سلام، وَهَبُ بْنُ مُنْبَهٍ، و عبد الله ابن جریج وارد متون اسلامی شده است. (حسینی تهرانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱۸، ص ۳۲۰) مفاهیمی که در قرآن نیست و توسط پیغمبر (ص) و اهل بیت (ع) بیان نشده است (عاملی، ۱۳۸۴، الف، ج ۱، ص ۸۵)، اما به عنوان متون روایی و حدیثی و تفسیری در بعض آثار آمده است. (عبدالحی کتانی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۳) مفاهیم منتسب به معصومان (ع) که برای منافع حاکمان و افراد معین و غرض خاص، وضع شده است مانند احادیث موضوعه و جعلیات (عاملی، ۱۳۷۶، ب، ص ۱۲).

تعامل و تقابل با اسرائیلیات در تفسیر «الکشف و البیان»

در خصوص تفسیر الکشف و البیان، ابتدا موضوعاتی را که ثعلبی در آنها از اسرائیلیات کمک گرفته است و سپس نحوه تعامل ایشان با اسرائیلیات را بررسی می‌کنیم.

نمونه های اسرائیلیات در تفسیر «الکشف و البیان»

در تفسیر ثعلبی (به دلیل روایی بودن و کم بودن نقد و تحلیل‌های احادیث) اسرائیلیات زیادی دیده می‌شود که در ادامه به نمونه هایی از نقل روایات اسرائیلی در تفسیر الکشف و البیان پرداخته می‌شود.

نقل افسانه غرانیق

ثعلبی در توضیح آیهی ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ...﴾ (حج/ ۵۲) داستان غرانیق را از ابن عباس و محمد بن کعب قرظی نقل می‌کند

خلاصه این داستان این است که پیامبر (ص) هنگام تلاوت سوره نجم بر مردم، دو عبارت غیرقرآنی «تلك الغرانيق العلی و إن شفاعتھن لترجی» تحت تاثیر شیطان خوانده است و مردم گمان کرده اند که این عبارات جز قرآن است که بعدا جبرئیل تذکر می دهد و می فرماید اینها جز قرآن نیست. (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۲۹، نمونه‌ی دیگر: ج ۸، ص ۴۷)، مفسران و دانشمندان علوم اسلامی (شیعه

و سنی)، این داستان را جزء اسرائیلیات بر شمرده اند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۸، الف، ج ۳، ص ۱۳۳؛ ابوشهبه، ۱۴۱۳ق، ص ۳۱۵؛ مغنیه، ۱۹۸۱ق، ج ۵، ص ۳۴۱؛ طباطبایی، بی تا، ج ۱۴، ص ۳۹۶)

نقل عاشق شدن پیامبر(ص) بر زینب بنت جحش

ثعلبی در توضیح آیه ۳۷ و ۳۸ احزاب و در شان نزول آن، داستان عاشق شدن پیامبر(ص) بر زینب بنت جحش را نقل می‌کند: روزی پیامبر برای حاجتی نزد زید(همسر زینب بنت جحش) رفت، اما وی در خانه نبود و تنها زینب در خانه بود پیامبر وی را نیمه عریان دید و محبتش در دل او جای گرفت و فرمود: سبحان الله مقلب القلوب و برگشت... (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۴۷) این داستان اسرائیلی به طور کامل در مقاله زیر، به صورت سندی و متنی بررسی و نقد شده است. (Ibrahimi et al. 2019)

نقل عاشق شدن حضرت داوود(ص) بر یک زن زیبا

ثعلبی ذیل آیهی ﴿وَهَلْ أَتَاكَ نَبْوًا الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ﴾ (ص / ۲۱) اخبار و اقوالی را ذکر می‌کند که بر اساس آن، حضرت داود (ع) به زن زیبایی علاقمند گشت و با سیاستی خاص باعث کشته شدن شوهر او شده و وی را به ازدواج خود در آورد. (ثعلبی، همان، ج ۸، ص ۱۸۵) این روایت از اسرائیلیات و با مقام عصمت انبیاء (ع) در تضاد بوده و اکثر علمای اسلام آن را رد کرده‌اند. (به عنوان نمونه، نک: شریف مرتضی، تنزیه الانبیاء، ص ۱۷-۲۳؛ محمد جواد مغنیه، پیشین، ج ۶، صص ۳۷۱-۳۷۲ و طباطبایی بی تا، ج ۲، صص ۱۳۴-۱۳۸)

نقل اتهام به حضرت مریم(س)

ثعلبی در ذیل آیه «فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ» روایاتی در خصوص اتهام حضرت مریم به زنا و پسر عمه ای به نام یوسف و قصد قتل حضرت مریم(س) توسط وی نقل می‌کند (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۲۱۰) که بدون سند و از اسرائیلیات است. همچنین با آیات قرآن از جمله آل عمران، آیات ۳۷-۳۸ در تضاد است.

توصیف‌های مبالغه آمیز، خرافی و غریب‌گونه درباره ملک حضرت سلیمان(ع)

ثعلبی در ذیل آیهی ﴿وَ حُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾ (نمل / ۱۷) روایتی آورده که حضرت سلیمان (ع) پادگانی به طول صد فرسنگ داشت، بیست و پنج فرسنگ آن برای انسان‌ها، بیست و پنج فرسنگ آن برای جنیان، بیست و پنج فرسنگ آن برای حیوانات وحشی و بیست و پنج فرسنگ آن برای پرندگان اختصاص داده شده بود، همچنین هزار خانه از آبگینه داشت که بر روی چوب ساخته شده بود و در آن سبب زن و هفتصد کنیز اسکان یافته بودند و...

ثعلبی در ادامه نقل می‌کند که شیاطین برای سلیمان، فرشی به طول یک فرسنگ بافته بودند که از طلا و ابریشم بود و منبری از طلا برای او در وسط این فرش نصب کرده بودند که سلیمان بر آن می‌نشست و پیرامون آن هزاران صندلی از طلا و نقره وجود داشت که انبیاء (ع) بر صندلی‌های طلا و نقره می‌نشستند و مردم اطراف آن‌ها حلقه می‌زدند و جنیان و شیاطین نیز پیرامون مردم جمع می‌شدند و پرندگان با بال‌های خود بر آن‌ها سایه می‌افکندند تا گرمای آفتاب موجب آزار آن‌ها نگردد، باد صبا آن فرش را برمی‌داشت و از صبح تا شام مسافت یک ماه را طی می‌نمود و از شام تا صبح نیز به اندازه‌ی مسافت یک ماه را طی می‌کرد. (ثعلبی، پیشین، ج ۷، ص ۱۹۷، پژوهشگران این روایات را جزء اسرائیلیات دانسته‌اند (محمد قاسمی، ۱۳۸۰، ص ۴۹۸)

نقل داستان مرده دنیا آمدن فرزند حضرت سلیمان (ع)

نمونه‌ی دیگر ذیل آیه‌ی (وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَ أَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَداً ثُمَّ أَنَابَ) (ص/ ۳۴) نقل کرده که رسول خدا (ص) فرمود: سلیمان شبی به خدا سوگند یاد کرد که با هفتاد تن از همسرانش هم بستر شود تا از هر کدام یک فرزند جنگجو و مجاهد راه خدا متولد شود، اما سلیمان با وجود توصیه مصاحبش از گفتن این شاء الله خودداری کرد و تنها یکی از همسرانش باردار شد آن هم یک فرزند ناقص الخلقه به دنیا آورد، سپس پیامبر اکرم (ص) فرمود: سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، اگر سلیمان این شاء الله را بر زبان آورده بود قطعاً برای او فرزندان مجاهد و جنگجوی راه خدا به دنیا می‌آمد. (ثعلبی، پیشین، ج ۸، ص ۲۰۷) این روایت نیز از اسرائیلیات است (محمد قاسمی، پیشین، صص ۳۹۷-۳۹۸).

علاوه بر موارد ذکر شده ثعلبی در ارتباط با یاجوج و ماجوج نیز روایتی آورده (ثعلبی، همان، ج ۶، ص ۱۹۳) که جزء اسرائیلیات است (ابو شهبه، همان، ص ۲۴۵) همچنین در مورد «تابوت» بنی اسرائیل ذیل (بقره/ ۲۴۸) مطالبی نقل می‌کند که آن را از اسرائیلیات برشمرده‌اند (ابو شهبه، پیشین، ص ۱۷۰ و معرفت، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۵۷) همچنین در مورد واژه «سکینه» در آیه فوق، مطالب عجیبی از قول مجاهد آورده است. (ثعلبی، پیشین، ج ۲، صص ۲۱۲-۲۱۳، یا مطالبی در مورد آیه‌ی (إِرم ذات العمداء) (فجر/ ۷) روایات آورده (همان، ج ۱۰، صص ۱۹۵-۱۹۷) که همگی از اسرائیلیات است (ابو شهبه، پیشین، ص ۲۸۳)

روش ثعلبی در نقل اسرائیلیات

روش اصلی ثعلبی در مورد اسرائیلیات نقل صرف است و جز موارد اندکی، نقد و تحلیلی انجام نداده و بدون بررسی از کنار آن‌ها گذشته است، اما به جهت اهمیت بحث و بررسی دقیق‌تر و ذکر نمونه‌ها در ادامه روش او را در مواجهه با اسرائیلیات بررسی می‌شود.

نقل اسرائیلیات بدون ذکر راوی

ثعلبی در مواردی نه تنها سلسله سند را ذکر نمی‌کند، بلکه نام راوی آن را نیز نمی‌آورد. گویی از زبان خودش روایت می‌کند، به عنوان نمونه، ذیل آیهی ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ...﴾ (احزاب/ ۳۶) گفته است «زینب بنت جحش» مدتی با «زید بن حارثه» که غلام پیامبر اکرم (ص) بود زندگی کرد تا این که آن حضرت به سبب حاجتی به خانه‌ی زید آمد و زینب را در حالی که جامه‌ای بر تن نداشت و تمام قد ایستاده بود، دید و از زیبایی وی شگفت زده شد، گویا محبت وی در دل آن حضرت افتاد و گفت «سبحان الله مقلب القلوب» و برگشت. (ثعلبی، همان، ج ۸، صص ۴۷-۴۸) گاهی هم دیده می‌شود با عبارت «فی بعض الروایات» به نقل حکایتی از اسرائیلیات پرداخته است. (همان، ج ۷، ص ۲۰۷. و ج ۷، ص ۲۰۰. و ج ۷، ص ۲۰۵) گاهی برای نقل روایت اسرائیلی لفظ «قالوا» را به کار می‌برد؛ نمونه‌ی آن ذیل آیهی ﴿وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ مِنْ أَحَدِهِمَا...﴾ (مائده/ ۲۷، نک: همان، ج ۴، ص ۴۹) گاهی هم روایت را از زبان اهل تفسیر و اصحاب اخبار نقل می‌کند مثلاً در بیان روایات مربوط به «تابوت» می‌گوید: «قصه‌ی تابوت و ویژگی آن بر اساس آن چه اهل تفسیر و اصحاب اخبار بیان کرده‌اند...» (همان، ج ۲، ص ۲۱۲، نمونه‌ی دیگر: ص ۲۱۷)

نقل اسرائیلیات بدون نقد و بررسی

اکثر قریب به اتفاق روایات اسرائیلی در تفسیر ثعلبی بدون تحلیل و بررسی بازگو شده‌اند. در واقع می‌توان گفت ثعلبی در این زمینه یک ناقل صرف بوده است؛ به عنوان نمونه، در داستان حضرت سلیمان (ع) و اختلاف اقوال در قصه‌ی محنت و علل زوال پادشاهی ایشان روایاتی را نقل کرده و از قول بعضی مفسران می‌گوید: علت آزمایش سلیمان (ع) این بود که به وی دستور داده شده بود فقط با زنان بنی اسرائیل ازدواج کند، ولی با زنان دیگر نیز ازدواج کرد، به همین جهت عقوبت شد و با لفظ «قیل» آورده که سلیمان (ع) دختر پادشاه صیدون را دید و نسبت به او علاقمند شد، دین خود را به او عرضه کرد اما نپذیرفت، سلیمان (ع) او را ترساند و دختر گفت اگر مرا مجبور به خدا پرستی کردی خودم را می‌کشم و سلیمان (ع) از ترس این که خودش را بکشد با آن دختر مشرک ازدواج کرد. آن زن در حدود چهل روز بتی که از یاقوت بود به دور از چشم سلیمان (ع) عبادت می‌کرد تا این که خداپرست شد، به همین جهت ملک ایشان در مدت چهل روز در حالت زوال بود. (همان، ج ۸، ص ۲۰۶) این روایات از اسرائیلیات محسوب می‌شود (معرفت، پیشین، ج ۲، ص ۲۷۳)

ثعلبی در مورد داستان اصحاب کهف نیز به نقل اسرائیلیات پرداخته است. وی علاوه بر این که آن داستان را مفصل نقل کرده، در ارتباط با رنگ سگ آن‌ها اقوال مختلفی را ذکر نموده است از جمله

این که ابن عباس گفته «به رنگ سیاه و سفید بوده»، مقاتل گفته «زرد رنگ بوده»، قرطبی گفته «رنگ آن زرد متمایل به سرخ بوده است» وی همچنین در مورد نام آن به ذکر اقوال اسرائیلی پرداخته است. (ثعلبی، پیشین، ج ۶، ص ۱۶۰، نمونه‌ی دیگر در تفسیر ثعلبی داستان یاجوج و ماجوج و ذو القرنین است (همان، ج ۶، صص ۱۹۳-۱۹۹) که جزء اسرائیلیات محسوب می‌شود (ابو شهبه، پیشین، صص ۲۴۲-۲۴۸) ثعلبی در موارد مذکور و بسیاری از موارد دیگر فقط به نقل اسرائیلیات پرداخته و هیچ گونه نقدی در برابر آن‌ها به کار نبرده است.

نقل اسرائیلیات و اعلام نظر در قبال آن

ثعلبی در موارد اندکی روایات اسرائیلی را نقل می‌کند و سپس به اعلام نظر خویش درباره آن می‌پردازد، این اعلام نظر حداقل نشانگر این است که مبنای وی بر قبول و پذیرش تمام اقوال و روایات نیست. برای مثال او ذیل آیه‌ی ﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّةً مَّرَّةً...﴾ (اسراء/ ۴) روایاتی را نقل می‌کند که مفصل‌ترین آن‌ها روایت محمد بن اسحاق (محمد بن اسحاق یسار (م ۱۵۱ق)، از مورخان متقدم عرب و مؤلف کتاب مغازی (زرکلی، ۱۹۸۰ق، ج ۶، ص ۲۸) است، سپس در باره‌ی این روایات می‌گوید: «از میان این روایات، آن چه محمد بن اسحاق نقل کرده است صحیح است، او گفته است بنی اسرائیل بعد از آن که بخت نصر شام را ویران کرد و آن‌ها را به اسارت گرفت پس از مدتی دوباره به شام برگشتند و پس از مرگ (عزیر) عزیز (ع) آن‌ها را از نو ساختند و خداوند آن‌ها را بخشید و در بین آن‌ها انبیاء را مبعوث کرد، گروهی پیامبران را تکذیب کردند و گروهی آن‌ها را کشتند، تا این که آخرین پیامبران از آل داود، یعنی زکریا، یحیی و عیسی برای آن‌ها مبعوث کرد...» ثعلبی پس از نقل این روایت می‌گوید «و هو أصحّ إن شاء الله». (ثعلبی، پیشین، ج ۶، ص ۸۱)

همچنین او در تفسیر آیه‌ی ﴿وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ...﴾ (احزاب/ ۳۷) پس از ذکر روایات اسرائیلی، دو روایت به عنوان تفسیر نقل می‌کند که در واقع به نوعی نظر خود را در مقابل اسرائیلیات ارائه می‌دهد یک روایت به نقل از امام سجّاد (ع) است که فرموده‌اند: منظور آیه این است که پیامبر اکرم (ص) در حالی که می‌دانست زید همسرش را طلاق می‌دهد آن را مخفی کرد و به زید گفت همسرت را نگه دار. ثعلبی این تفسیر را نیکو، پسندیده و قوی دانسته است، به عبارتی قول امام را ارجح اقوال ارزیابی کرده، در عین حال تفسیر حسن بصری را نیز مبنی بر این که پیامبر اکرم (ص) علاقه‌ی خود را به زینب مخفی کرد ردّ نمی‌کند و می‌گوید این قول نیز عیبی برای آن حضرت

محسوب نمی‌شود و بنده به خاطر این امور که در قلبش پدید می‌آید، مورد سرزنش قرار نمی‌گیرد؛ زیرا تصمیم به انجام گناه ندارد. (ثعلبی، پیشین، ج ۸، ص ۴۸)

علاوه بر این، ثعلبی در مورد تعداد کسانی که به همراه طالوت از آب ننوشتند و از نهر آب عبور کردند دو قول را ذکر کرده و آمار «ثلاثمائة و بضعة عشر» را صحیح و دلیل آن را حدیث پیامبر اکرم (ص) می‌داند که در روز جنگ بدر فرمود: «تعداد شما امروز به میزان اصحاب طالوت است که از نهر آب عبور کردند و با او جز مؤمنان همراه نشدند». (ثعلبی، پیشین، ج ۲، صص ۲۱۶-۲۱۷)

لازم به ذکر است که ثعلبی در موارد معدودی، با نقل روایات اهل بیت (ع) و پذیرش آن‌ها، روایات اسرائیلی را رد می‌کند برای مثال ثعلبی ذیل آیات ﴿وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ...﴾ (ص / ۳۰-۳۲) از قول ابن عباس نقل کرده است که حضرت علی (ع) در مورد آیهی ﴿فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ﴾ (ص / ۳۲) از من سؤال کرد و فرمود در مورد این آیه به تو چه رسیده است؟ در جواب گفتم از کعب الاحبار شنیدم می‌گفت حضرت سلیمان (ع) روزی مشغول سان دیدن اسبها شد و تا غروب آفتاب آن‌ها را مشاهده می‌کرد؛ پس هنگامی وقت نماز تمام شد، گفت: ﴿إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ رُدُّوَهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ﴾ (ص / ۳۲-۳۳) به این معنی که اسبها در حالی که بیست و چهار تا بودند و به قولی چهارده تا، به سوی سلیمان (ع) باز گردانده شد و او دستور داد که ساق پا و گردن آن‌ها را با شمشیر زدند و به قتل رساندند، به همین علت خداوند متعال چهارده روز پادشاهی را از او گرفت.

سپس حضرت علی (ع) فرمود: «کعب الاحبار دروغگوست، چنین نبوده سلیمان (ع) در آن روز سرگرم سان دیدن اسبها بود؛ زیرا قصد جنگ با دشمن را داشت تا این که آفتاب غروب کرد پس به ملائکه‌ی موکل خورشید گفت به امر خداوند تعالی خورشید را برای من باز گردانید و خورشید را برای او باز گرداندند و او نماز عصر را در وقت خودش خواند». حضرت علی (ع) در ادامه فرمود: «نبیای الهی نه ظالمند نه فرمان ظلم کردن می‌دهند و نه راضی به ظلم می‌شوند؛ زیرا آن‌ها پاک و معصوم هستند». (ثعلبی، پیشین، ج ۸، ص ۱۹۸) علامه طباطبایی می‌گوید: «این روایت بدون اشکال است و حدیث حضرت علی (ع) معتبر است (طباطبایی، پیشین، ج ۱۷، ص ۲۰۶)»

نقل تفسیری روایات اسرائیلی

ثعلبی در تفسیر آیهی ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا...﴾ (بقره / ۱۲۷) گفته است «راویان با اسناد مختلفه در مورد بنای کعبه روایتهائی را نقل کرده‌اند، من اقوال آنها را جمع کردم و صحیح آن را انتخاب کردم تا بهترین کلام و نزدیک به فهم

باشد». (ثعلبی، پیشین، ج ۱، ص ۲۷۳) از این کلام ثعلبی بر می‌آید که روایات فراوانی در باب بنای کعبه وجود داشته که وی با جمع و تلفیق آن‌ها سعی کرده آن را با کلامی منظم و منطقی‌تر به گونه‌ای که قابل فهم باشد نقل کند. شاهد سخن وی این است که به اختصار در این باب سخن گفته، در حالی که نقل اسرائیلیات در بنای کعبه از بیش از ده صحیفه‌ی اهل کتاب گرفته شده است. ابو شهبه نیز به این مسئله گفته شده اشاره دارد. (ابو شهبه، پیشین، ص ۱۶۷)

نمونه‌ی دیگر ذیل آیه‌ی ﴿فَهَيَّزْهُمْ وَوَهِّمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ...﴾ (بقره/ ۲۵۱) ثعلبی قبل از این که به نقل داستان قتل جالوت توسط داود بپردازد، (که روایات آن از اسرائیلیات است (معرفت، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۰) می‌گوید: «مفسرین با عبارات مختلف و معنای واحد گفته‌اند» و پس از این کلام داستان را نقل می‌کند (ثعلبی، پیشین، ج ۲، صص ۲۱۷-۲۲۲) ولی به بیان روایات مختلف نمی‌پردازد که این خود دلیل تلفیق و یکی کردن روایات توسط ثعلبی است.

تعامل و تقابل با اسرائیلیات در تفسیر «الکاشف»

پس از بررسی تفسیر ثعلبی اینک در تفسیر الکاشف نیز نحوه تعامل یا تقابل مغنیه با روایات اسرائیلیات را بررسی می‌نمائیم. لازم به ذکر است که در تفسیر مغنیه آن چنان اسرائیلیاتی وجود ندارد که بتوان به بیان نمونه‌های متعدد مانند تفسیر ثعلبی پرداخت بنابراین در این بخش به روش مغنیه در نقل اسرائیلیات پرداخته می‌شود و از نقل نمونه‌های متعدد (به دلیل نبود اسرائیلیات زیاد) پرهیز می‌شود.

روش مغنیه در نقل اسرائیلیات

مغنیه در مقدمه تفسیر خود در باره اسرائیلیات چنین می‌گوید: «من به اسرائیلیاتی که در بعضی تفاسیر آمده است به چشم افسانه و خرافه نگریستم و هیچ چیز در دلالت بر کذب و بطلان آنها، صادق‌تر از منسوب بودنشان به اسرائیل نیست». (مغنیه، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۱۴) این سخنان مغنیه، نظر وی را در مورد اسرائیلیات، به صراحت روشن می‌سازد. او در مورد اسرائیلیات به وعده‌ای که در مقدمه تفسیرش داده، عمل کرده و از ذکر اسرائیلیات، پرهیز نموده و یا به نقد و بررسی و رد آنها پرداخته است. با این حال، در مواردی بسیار اندک، روایتی را که از نظر خود او جزو اسرائیلیات یا روایات غیر قابل قبول بوده، بدون هیچ نقد و بررسی، نقل کرده است. این مفسر، در بسیاری از جاهای تفسیر خود، نه تنها از نقل روایات اسرائیلی خودداری کرده؛ بلکه هیچ اشاره‌ای هم به وجود چنین روایاتی پیرامون آیه یا آیات مورد تفسیر نداشته است؛ به عنوان مثال در مورد آیه مبارکه ﴿قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنَنذُرُكَ لَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَإِنِ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ﴾ (مائده/ ۲۲) از

اسرائیلیاتی در برخی از کتاب‌های تفسیر وارد شده (مانند: تفسیر طبری، ثعلبی، بغوی، خازن و الدرالمنثور) مطلع است و تفسیر خود را بدون ذکر این روایات پی گرفته است. (مغنیه، پیشین، ج ۳، ص ۴۳) همچنین در مورد آیه شریفه ﴿قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً...﴾ (نمل ۴۴) در بعضی از کتاب‌های تفسیر (مانند: تفسیر طبری، بغوی، ثعلبی و خازن) روایاتی نقل شده است که با عصمت پیامبران الهی منافات دارد، اما مغنیه در تفسیر آیه فوق بدون اشاره به این روایات، به بیان تفسیر مورد نظر خود می‌پردازد. (مغنیه، پیشین، ج ۶، ص ۲۴) با این حال، این مفسر در تفسیر بعضی از آیات قرآن، اسرائیلیاتی را نقل کرده است که روش او در نقل آنها به شرح ذیل است:

نقل روایات اسرائیلی و نقد و رد آنها

مغنیه در این مورد به شکل‌های گوناگونی عمل کرده است که عبارتند از:

اشاره به ورود روایات اسرائیلی و رد اجمالی و کلی آنها

مغنیه در مواردی به ورود اسرائیلیات به تفاسیر اشاره می‌کند و به طور کلی آن‌ها را رد می‌کند برای مثال، در تفسیر آیه ﴿وَ اتَّبِعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَ لَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا...﴾ (بقره/۱۰۲) چنین می‌گوید: «مفسران در اینجا سخن گفته و کلام را طولانی کرده‌اند اما هیچ دلیل و مدرکی برای حرف‌های خود ندارند مگر اسرائیلیاتی که نه مورد تأیید عقل است و نه شرع و فخر رازی در تفسیر این آیه در حدود بیست صفحه را سیاه کرده و بر گره‌ها و مشکلات آن افزوده و همین کار را صاحب مجمع البیان نیز انجام داده است». (نک: مغنیه، پیشین، ج ۱، ص ۱۶۱، نمونه‌های دیگر: همان، ج ۲، ص ۵۳؛ ج ۳، ص ۲۸؛ ج ۴، ص ۲۹۹؛ ج ۷، ص ۵۶۱)

نقل روایات اسرائیلی به صورت کوتاه یا کامل و رد آنها

مغنیه در مواردی روایات اسرائیلی را به صورت کوتاه یا کامل نقل می‌کند سپس به رد آن‌ها می‌پردازد. او در تفسیر الکاشف از این نوع رویکرد، بسیار استفاده می‌کند؛ از جمله، در تفسیر آیه ﴿ن وَالْقَلَمِ وَ مَا يَسْطُرُونَ﴾ (قلم/۱) مفسر چنین می‌گوید: «(ن) مانند دیگر حروفی است که سوره‌ها با آن آغاز می‌شود اما کسی گفته: (ن) ماهی است و دیگری گفته: مُرَّكَب است و سومی گفته: جوهر است و چهارمی گفته: نونِ «الرحمن» است و گروهی از صوفیه معتقدند «نفس» است و همه این گفته‌ها نیاز به دلیل دارند». (نک: مغنیه، پیشین، ج ۷، ص ۳۸۶؛ نمونه‌های دیگر: پیشین ج ۱، صص ۸۴، ۱۰۶، ۲۰۳، ۳۷۳، ۳۷۹ و ۴۰۶ و ج ۳، ص ۴۵)

همانطور که مشاهده می‌کنید مغنیه در این باب، روایات اسرائیلی را به صورت کاملاً خلاصه شده و گاه در یک کلمه ذکر می‌کند؛ مثلاً آنجا که می‌گوید: نون ماهی است به روایتی (این روایت در کتاب

اضواء علی السنۃ المحمدیة، ضمن مبحث روایات اسرائیلی، تحت عنوان احادیث مشکله و در کتاب التفسیر و المفسرون جزء اسرائیلیات ذکر شده است. برای آگاهی بیشتر نک: محمود ابوریه، ص ۲۲۹ و معرفت، پیشین، ج ۲، ص ۳۱۰. پیرامون آفرینش جهان اشاره می‌کند که بر اساس آن خداوند، نون را □ (که یک ماهی بسیار بزرگ بود) آفرید و زمین را بر پشت آن گسترانید. (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲۹، ص ۱۹؛ قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۸، ص ۲۲۳ و سیوطی، ۱۳۶۵ق، ج ۶، ص ۲۵۰)

یا در تفسیر آیه شریفه ﴿وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ...﴾ (احزاب / ۳۷) می‌گوید: «پیرامون این آیات از سوی دوستان و دشمنان اسلام (مؤلف کتاب ازواج النبی و بناته، یهودیان را در ساختن این روایت دخیل دانسته و آن را جزء اسرائیلیات قلمداد کرده است. (برای آگاهی بیشتر نک: نجاح الطائی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۹)، سخن بسیار است... آنها [دشمنان اسلام] در مورد عفت و پاکدامنی پیامبر طعنه زده، گفتند: (پیامبر) به «زینب بنت جحش»... که همسر غلام خود «زید بن حارثه» بود، علاقمند شد و این موضوع را نه به خاطر ترس از خدا بلکه به خاطر ترس از مردم مخفی داشت... اما دوستان اسلام، این اتهام را با دلایل روشن و آشکار رد می‌کنند... و ما مانند هر مسلمان دیگری هستیم که به عصمت پیامبرش ایمان دارد و با باورهای دینی و عقیدتی خود از آن دفاع می‌کند». (مغنیه، پیشین، ج ۶، ص ۲۲۰) مغنیه در ادامه پس از نقل این داستان با ارائه دلایل محکم، شبهات دشمنان اسلام را رد می‌کند.

نقل قسمت‌هایی از تورات یا قاموس کتاب مقدس و رد آنها

مغنیه در تفسیر الکاشف از این رویکرد بسیار استفاده می‌کند و این مورد نمونه‌های متعددی دارد اما در اینجا به دلیل اختصار به ذکر یک نمونه اکتفا می‌کنیم: مغنیه در تفسیر آیات ﴿وَ هَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ...﴾ (صا ۲۱-۲۵) چنین می‌گوید □: «گروهی از مفسران در شرح این آیات چیزهایی را به داود (ع) نسبت می‌دهند که شایسته یک انسان باحیا و جوانمرد نیست چه رسد به پیامبران معصوم (ع) □ آنها در این مورد داستانی طولانی نقل کرده‌اند که در سفر صموئیل دوم چاپ ۱۱ و ۱۲ از عهد قدیم آمده است - کتابی که به حکم قرآن و شهادت تاریخ، تحریف شده و متن آن به گونه‌ای است که فطرت، آن را نمی‌پذیرد و عقل آن را قابل قبول نمی‌داند - و خلاصه این داستان یا بهتان به این صورت است که: «داود عاشق همسر یکی از خدمه و لشکریان خود به نام «اوریا» شد، سپس حيله‌ای به کار برد و او را با شمشیر کشت و همسرش را برای خود برگزید...». (مغنیه، پیشین، ج ۶، ص ۳۷۱-۳۷۲؛ نمونه‌های دیگر: همان، صص ۳۷۸ و ۳۸۱) او پس از نقل خلاصه این داستان می‌گوید: «گروهی از اهل تأویل با تکیه بر این اسرائیلیات و به استناد

آنها، آیات قرآن را که مؤده‌دهنده و بیم‌دهنده هستند، تفسیر کرده‌اند... پس خواننده باید در برابر این سخنان و تفسیرها بیدار باشد و با احتیاط وارد شود». (نک: همان، ص ۳۷۲)

نقل روایات اسرائیلی از کتب مقدس بدون نقد آنها

اگرچه مغنیه نوعاً در برابر روایات اسرائیلی موضع صریحی گرفته و در جای‌جای تفسیر خود به عدم پذیرش آنها تصریح کرده است. با این حال در برخی از قسمت‌های تفسیر وی، مواردی مشاهده می‌گردد که نمونه‌های آن از نظر او در شمار اسرائیلیات است، با این وجود، بدون اینکه نقدی در مورد آنها به کار برد، به نقل آنها پرداخته است. به عنوان نمونه، مغنیه در تفسیر آیه مبارکه ﴿فَأَمِّنْ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (عنکبوت/۲۶) چنین می‌گوید: «در اصحاح نوزدهم آمده است که دو دختر لوط به پدرشان شراب نوشاندند، سپس با او همبستر و از او باردار شدند و دختر بزرگتر پسری به دنیا آورد و نام او را «مؤاب» گذاشت و دختر کوچکتر هم پسری به دنیا آورد و او را «بن عمی» نامید». (مغنیه، پیشین، ج ۶، ص ۱۰۴ و قریب به این مضمون، همان، ص ۳۵۵ (در تفسیر آیه ۱۳۳ از سوره صافات)؛ نمونه‌های دیگر: ج ۴، ص ۲۹۲ و ۲۹۶ و ج ۶، ص ۳۵۳ و ۳۵۶)

جا داشت که مغنیه در اینگونه موارد به نقد و لو کوتاهی بپردازد تا مخاطب بیشتر و بهتر با این گونه اسرائیلیات آشنا شود.

بررسی تطبیقی شیوه تقابل با اسرائیلیات در دو تفسیر «الکاشف» و «الکشف و البیان»	
۱- مقدمه	این مقاله در صدد بررسی دو تفسیر الکاشف مغنیه و الکشف و البیان ثعلبی در نحوه برخورد با اسرائیلیات است.
۲- پیشینه	مقالات و پایان نامه‌هایی درباره روش تفسیری دو مفسر کار شده، اما به بحث اسرائیلیات در این دو تفسیر و نحوه تعامل دو مفسر با اسرائیلیات پرداخته نشده است.
۳- مفهوم شناسی اسرائیلیات	اسرائیلیات به روایات منتسب به یهود و نصارا و به طور کلی (از باب تغلیب) به روایات جعلی گفته می‌شود که برای شناخت آن‌ها معیارهایی وجود دارد.
۴- تعامل و تقابل با اسرائیلیات در تفسیر «الکشف و البیان»	ثعلبی در الکشف و البیان با اسرائیلیات به گونه‌های مختلفی برخورد کرده است و نمونه‌هایی از اسرائیلیات را هم نقل نموده است.
۴-۱- نمونه‌های اسرائیلیات در تفسیر «الکشف و البیان»	در این تفسیر اسرائیلیات زیادی وجود دارد که ثعلبی آن‌ها را نقل کرده است.

<p>۴-۱-۱- نقل افسانه غرائبق ثعلبی نقل می کند که در میان آیات سوره نجم، شیطان عبارت «تلك الغرائبق العلی و ان شفاعةن لئرجی» را بر زبان پیامبر (ص) جاری ساخت و بعدا جبرئیل به پیامبر تذکر داد که این بخش قرآن نیست و القانات شیطان است.</p>	
<p>۴-۱-۲- نقل عاشق شدن پیامبر(ص) بر زینب بنت جحش ثعلبی نقل می کند که روزی پیامبر وارد خانه زید می شود و زینب همسر او را می بیند و عاشق او می شود و می گوید سبحان الله مقلب القلوب</p>	
<p>۴-۱-۳- نقل عاشق شدن حضرت داوود(ص) بر یک زن زیبا ثعلبی نقل می کند که حضرت داود عاشق یک زن می شود همسر او را به جنگ می فرستد تا کشته شود تا بتواند با همسر او ازدواج کند.</p>	
<p>۴-۱-۴- نقل اتهام به حضرت مریم(س) ثعلبی در روایتی به اتهام حضرت مریم به زنا اشاره می کند که یوسف پسر عمه او قصد قتل او را داشته است.</p>	
<p>۴-۱-۵- توصیف های مبالغه آمیز، خرافی و غریبگونه درباره ملک حضرت سلیمان(ع) ثعلبی روایتی آورده که حضرت سلیمان (ع) پادگانی به طول صد فرسنگ داشت، همچنین هزار خانه از آبنگینه داشت که بر روی چوب ساخته شده بود و در آن سیصد زن و هفتصد کنیز اسکان یافته بودند</p>	
<p>۴-۱-۶- نقل داستان مرده دنیا آمدن فرزند حضرت سلیمان(ع) ثعلبی نقل می کند که حضرت سلیمان در یک شب با هفتاد همسر خود همبستر می شود تا فرزندان جنگو برایش به دنیا بیاورند و چون ان شاء الله نمی گوید تنها یک فرزند و آن هم ناقص الخلقه و به صورت مرده دنیا می آید.</p>	
<p>۴-۲- روش ثعلبی در نقل اسرائیلیات ثعلبی بیشتر به نقل روایات می پردازد تا نقد و نظر</p>	
<p>۴-۲-۱- نقل اسرائیلیات بدون ذکر راوی ثعلبی در برخی موارد نه سلسله سند را می آورد و نه نام راوی را</p>	
<p>۴-۲-۲- نقل اسرائیلیات بدون نقد و بررسی بیشتر روایات اسرائیلی که در این تفسیر نقل شده اند؛ تحلیل و بررسی ندارند.</p>	
<p>۴-۲-۳- نقل اسرائیلیات و اعلام نظر در قبال آن ثعلبی در مواردی به اعلام نظر می پردازد برای مثال درباره نقل محمد بن اسحاق درباره بخت النصر می گوید: «و هو أصح ان شاء الله»</p>	
<p>۴-۲-۴- نقل تلفیقی روایات اسرائیلی برای مثال ثعلبی می گوید: راویان با اسناد مختلفی در مورد بنای کعبه روایتی را نقل کرده اند، من اقوال آنها را جمع کردم و صحیح آن را انتخاب کردم تا بهترین کلام و نزدیک به فهم باشد.</p>	
<p>۵- تعامل و تقابل با اسرائیلیات در تفسیر «الکاشف» مغنیه نیز با اسرائیلیات تعامل های مختلفی داشته است البته بیشتر به نقد اسرائیلیات پرداخته و کمتر روایت اسرائیلی در آن دیده می شود.</p>	

۵-۱- روش مغنیه در نقل اسرائیلیات	مغنیه روش خاصی در نقل و نقد روایات دارد و اکثر روایات اسرائیلی که نقل کرده را رد نموده است.
۵-۱-۱- نقل روایات اسرائیلی و نقد ورد آنها	مغنیه موارد مختلفی از روایات را نقل نموده سپس حکم به اسرائیلی و جعلی بودن آن ها می کند.
۵-۱-۱- اشاره به ورود روایات اسرائیلی و رد اجمالی و کلی آنها	مغنیه در مواردی به ورود اسرائیلیات به تفاسیر اشاره می کند و به طور کلی آن ها را رد می کند برای مثال، در تفسیر آیه (بقره/۱۰۲) اشاره کلی به اسرائیلیات می کند و آن ها را مردود معرفی می کند.
۵-۱-۲- نقل روایات اسرائیلی به صورت کوتاه یا کامل و رد آنها	مغنیه در مواردی روایات اسرائیلی را به صورت کوتاه نقل می کند مانند روایات ذیل (قلم/۱) و در مواردی به طور کامل نقل می کند مانند روایات (احزاب/۳۷) سپس به رد همه روایات اسرائیلی می پردازد.
۵-۱-۳- نقل قسمت‌هایی از تورات یا قاموس کتاب مقدس و رد آنها	مغنیه مواردی از اسرائیلیات را از کتاب مقدس نقل می کند مانند عاشق شدن حضرت داود بر زن اوریا، سپس به نقد آن می پردازد.
۵-۲- نقل روایات اسرائیلی از کتب مقدس بدون نقد آنها	در مواردی مغنیه صرفاً به نقل و نه نقد و تحلیل می پردازد برای مثال او می نویسد: «در اصحاح نوزدهم آمده است که دو دختر لوط به پدرشان شراب نوشاندند، سپس با او همبستر و از او باردار شدند و دختر بزرگتر پسری به دنیا آورد و نام او را "مؤاب" گذاشت و دختر کوچکتر هم پسری به دنیا آورد و او را "بن عمی" نامید».

بررسی تطبیقی

تفسیر ثعلبی تفسیری روایی محسوب می شود در دوره او بیشتر به نقل حدیث پرداخته می شد در نتیجه او نیز نقل حدیث فراوانی دارد و حتی کتابی با عنوان قصص الانبیاء بر اساس روایات نوشته که دارای اسرائیلیات است؛ اما در دوره مغنیه عقل گرایی بیشتر مورد توجه قرار گرفته و مفسران سعی می کنند که کمتر به نقل اسرائیلیات بپردازند. هدف ثعلبی بیشتر نقل حدیث است و کمتر نقد و تحلیل، اما هدف مغنیه بیشتر نقل به همراه نقد و تحلیل است. اهل سنت به عصمت انبیاء به مانند شیعه اعتقاد ندارند همین مسئله سبب نقل مطالب ناروا در تفسیر ثعلبی شده است و چون مغنیه به عصمت انبیاء اعتقاد دارد و روایاتی در مذمت نقل روایات اسرائیلی در حق انبیاء از اهل بیت (ع) نقل شده؛ در نتیجه مغنیه سعی نموده از نقل این گونه اسرائیلیات بپرهیزد. به طور کلی مغنیه در مقابل ثعلبی بسیار کمتر دارای اسرائیلیات است و مطالب تفسیری اش قابل قبول تر از تفسیر ثعلبی می باشد.

نتیجه‌گیری

از آنچه در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت نتیجه می‌گیریم که

۱. اسرائیلیات به آموزه‌هایی گفته می‌شود که در قالب حدیث، توسط بعض علمای یهود که به ظاهر اسلام آورده بودند وارد منابع روایی مسلمین شده است. معیار شناخت این گونه احادیث، تعارض صریح آنها با معارف دین اسلامی و ریشه‌یابی آنها در منابع غیر اسلامی است. این گونه روایات در تفسیر ثعلبی به وفور دیده می‌شود که به نمونه‌های زیادی از آن اشاره شد.

۲. در تفسیر ثعلبی برای تفسیر آن دسته از مطالبی که مربوط به اهل کتاب است و در قرآن به آنها اشاره شده است، گاهی از اسرائیلیات کمک گرفته شده است. وی در اسباب نزول، توصیف انبیاء (ع)، تابوت بنی اسرائیل، اصحاب کهف نیز از اسرائیلیات استفاده کرده است و گاهی روایات عجیب، غیر معقول و منافی با عصمت انبیاء (ع) را بدون سند یا با عباراتی نظیر «قیل»، «قالوا»، «بعض الروات» نقل می‌کند؛ ثعلبی اکثر اسرائیلیات را بدون اظهار نظر در مورد آنها نقل کرده است و در موارد نادر، با استناد به روایات اهل البیت (ع) آنها را رد نموده است.

۳. مغنیه در مقدمه‌ی تفسیر «الکاشف» وعده اجتناب از اسرائیلیات می‌دهد و در متن کتاب نیز به این وعده وفا می‌نماید. وی گاهی به بعض موضوعاتی که در اسرائیلیات آمده است ورود پیدا می‌کند و بطلان آنها را با ذکر دلیل اثبات می‌نماید؛ اما گاهی عباراتی در تفسیر «الکاشف»، از متون اهل کتاب نقل شده است که مغنیه بدون اظهار نظر پیرامون آنها از کنار آنها عبور کرده است.

۴- در مورد هیچیک از دو مفسر نمی‌توان گفت که از اول تا آخر تفسیر خود در برخورد با اسرائیلیات یکسان عمل کرده اند، به عنوان مثال می‌بینیم ثعلبی که به نقل گسترده‌ای از اسرائیلیات در تفسیر خود روی آورده گاهی پس از نقل یک داستان اسرائیلی به جهت مخالفت آن با برخی از معتقدات اساسی همچون عصمت پیامبر در قضیه زینب به نقد و روشنگری در زمینه آن داستان اسرائیلی می‌پردازد که البته چنین نقد و بررسی‌هایی در تفسیر او بسیار اندک است.

مغنیه نیز با اینکه نسبت به ثعلبی میزان بسیار کمتری از اسرائیلیات را در تفسیر خود نقل کرده و از آنچه نقل کرده نیز میزان بسیار بیشتری را نسبت به ثعلبی مورد نقد و بررسی و رد قرار داده؛ با این حال در تفسیر بعضی از آیات نیز، صرفاً به نقل برخی از این روایات اقدام کرده و در رد و ابطال آنها سخنی به میان نیاورده است که این سکوت می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد مانند:

الف - آشکار بودن بطلان یک روایت و توانایی خواننده در تشخیص اسرائیلی بودن آن با توجه به آنچه در سایر قسمت‌های کتاب در رد نمونه‌های مشابه مطرح شده است؛ نظیر ماجرای دختران لوط (ع).

ب - عدم مخالفت یک روایت با عقل و شرع از نظر مغنیه، نظیر آنچه در تفسیر آیات مربوط به طالوت نقل کرده است که او شرایط ویژه‌ای از قبیل پیر و مریض نبودن رزمندگان را برای شرکت در جهاد وضع کرد که تنها دارندگان این شرایط حق شرکت در جهاد را داشتند. به هر حال در مجموع می‌توان گفت: با توجه به روش کلی مغنیه، مبنی بر عدم پذیرش اسرائیلیات و مبنای وی در مورد «سکوت در باره آنچه خداوند پیرامون آن سکوت کرده است»، سزاوار بود که این مبنا و روش در سراسر کتاب تفسیری‌اش رعایت شود.

منابع

قرآن مجید.

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، (۱۴۰۸ ق)، الف، **البدایة و النهایة**، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

_____، (۱۴۱۲ ق)، ب، **تفسیر القرآن العظیم**، بی‌جا، دارالمعرفة، بیروت.

ابو ربه، محمود، (بی‌تا)، **اضواء علی السنة المحمدية**، بی‌جا، دار الكتاب الاسلامی.

ابو شهبه، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق)، **الاسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر**، چاپ اول، دار الجیل، بیروت.

انصاری قرطبی، ابوعبد الله محمد بن احمد، (۱۴۰۵ ق) **الجامع لاحکام القرآن**، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

ثعلبی، احمد بن محمد بن ابراهیم، (۱۴۲۲ ق) **الکشف و البیان**، تحقیق ابی محمدین عاشور، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

حسینی تهرانی، سید محمد حسین، (۱۴۲۶ ق) **امام شناسی**، نشر علامه طباطبائی، مشهد، طبع سوم.

حویزی، عبدالعلی بن جمعه، (۱۴۱۲ ق) **نور الثقلین**، تحقیق سیدهاشم رسول محلاتی، مؤسسه‌ی اسماعیلیان، چاپ چهارم، قم.

زرکلی، خیرالدین، (۱۹۸۰ م) **الاعلام**، دارالعلم للملایین، بیروت، چاپ پنجم.

ذهبی، محمد حسین، (۱۹۸۵)، **الف، الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث**، مکتبه وهبه، قاهره.

_____، (بی‌تا)، ب، **التفسیر و المفسرون**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱.

سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (۱۳۶۵ ق) **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، دار الفکر، بیروت.

شریف مرتضی، (۱۴۰۹ ق) **تنزیه الانبیاء**، دار الاضواء، بیروت، چاپ دوم.

صدوق، محمد ابن علی ابن بابویه، (۱۳۷۷ ه.ش) **الخصال**، نشر کتابچی، تهران.

- صدوق، محمد ابن علی ابن بابویه (۱۳۸۵ق/۱۹۶۶م)، **علل الشرائع**، نجف، بی جا.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین، (بی تا)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، قم.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۵ق)، **جامع البیان عن تأویل آی القرآن**، تحقیق صدقی جمیل العطار، دار الفکر، بیروت.
- طبسی، نجم الدین، (بی تا)، **حقوق زندانی و موارد زندان در اسلام**، بوستان کتاب، قم.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۸)، **مجمع البیان**. فضل الله یزدی طباطبایی، تصحیح هاشم رسولی. بیروت: دار المعرفة.
- عاملی، جعفر مرتضی، (۱۳۸۴ش)، الف، **سیرت جاودانه**، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
- _____، (۱۳۷۶)، ب، **تحلیلی از زندگی سیاسی امام حسن مجتبی ع**، ترجمه محد سپهری، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، طبع سوم.
- عفاف عبدالغفور حمید، (۱۹۸۳م)، **البغوی و منهجه فی التفسیر**، مطبعة الارشاد، بغداد.
- قرطبی، محمد بن احمد، (۱۴۰۵ق)، **الجامع لاحکام القرآن**، مؤسسه التاريخ العربی، بیروت.
- کتانی، عبد الحی، (۱۳۸۴ش)، **نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام**، انتشارات سمت، قم.
- محمد قاسمی، حمید، (۱۳۸۰ش) **اسرائیلیات و تاثیر آن بر داستان های انبیاء در تفاسیر**، چاپ اول، انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- معرفت، محمد هادی، (۱۳۷۷ش)، **التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب**، چاپ اول، الجامعة الرضویة للعلوم الاسلامیة، مشهد.
- مغنیه، محمد جواد، (۱۹۸۱م) **التفسیر الکاشف**، چاپ سوم، دار العلم للملایین، بیروت.
- منتظری، حسینعلی، (۱۴۲۹ق) **حکومت دینی و حقوق انسان**، ارغوان دانش، قم.
- نجاح الطائی، (۱۴۲۲ق)، **ازواج النبی و بناته**، دار الهدی لاحیاء التراث، بیروت، چاپ اول.
- نعناعه، رمزی، (بی تا)، **الاسرائیلیات و اثرها فی کتب التفسیر**، دارالقلم؛ دمشق، ج ۱ پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم علیه السلام، (۱۳۹۳)، گلشن ابرار، ناشر پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام.

Ibrahimi, I., Nabavi, S., & Shahmoradi, R. (2019). A Review on The Story of the Holy Prophet and Zaynab Bint Jahsh. *International Journal of Multicultural and Multireligious Understanding*, 5(3), 351-364.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: شعاعی علی اصغر، تصدیقی شاهرضائی علی، غضنفری علی، بررسی تطبیقی شیوه تقابل با اسرائیلیات در دو تفسیر «الکاشف» و «الکشف و البیان»، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۴، شماره ۵۵، پاییز ۱۴۰۲، صفحات ۳۴۹-۳۶۸.

